

## Original Article

### The Position of Rights and Duties in the Formation of Desirable Bioethics in the Family According to Morteza Motahari

Mohammad Esmaeel Lotfi Diba<sup>1</sup>, Seyed Khodayar Mortazavi<sup>2\*</sup>, Seyed Mostafa Taghavi Moghadam<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student of Political Science, Department of Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: skmortazavia@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty member of the institute of contemporary history, Tehran, Iran.

Received: 23 Jul 2021    Accepted: 13 Nov 2021

#### Abstract

**Background and Aim:** Researchers argue that a plethora of factors are involved in the formation of desirable bioethics in the family, the most significant of which are the rights and duties of family members, in particular those of husband and wife, as the basis of the family system. As such, the present study seeks to examine the relationship between rights and duties and the formation of desirable bioethics from the perspective of Motahari.

**Materials and Methods:** Owing to the theoretical and qualitative nature of the research subject, a mixed method of textualism and contextualism are used for the purposes of the study. That is, the study initially focuses on texts and the potential semantic associations therein while considering the historical and political context and the intellectual and social developments within which the texts were delivered. The required information is collected from library archives through the index.

**Ethical Considerations:** Principles related to research ethics and especially fidelity has been observed in citing the sources and references of the article.

**Findings:** Findings of the research indicate that, according to Motahari, desirable bioethics in the family are the ones that are based on respect for rights and duties, innate talent and acquired ability, as well as the rule of good companionship (... "Consort with them in an honorable manner" ...). Moreover, the basis of the principle of equality, which corresponds to appreciating individual differences, loyalty, and self-sacrifice in the family and providing the necessary grounds for the upbringing of well-behaved children, are among the elements of good bioethics in the family system.

**Conclusion:** According to Motahari, the optimal model of bioethics is based on the denial of materialistic approach in performing rights and duties, acceptance of differences as a factor for respect and recognition of household members, consideration of individual differences, acceptance of innate differences, and acquired abilities of human beings as the main complement and the driving force of the household, and ultimately, the gift-like interpretation of Mahr (i.e., dower). As such, Motahari argues that even the most detailed matters such as women's employment, make-up, and fragrance, and the manner of conversation between the couples are extensively outlined by the optimal bioethics model provided by the fiqh.

**Keywords:** Right; Duty; Living Ethics; Family; Motahari

**Please cite this article as:** Lotfi Diba ME, Mortazavi S-KH, Taghavi Moghadam SM. The Position of Rights and Duties in the Formation of Desirable Bioethics in the Family According to Morteza Motahari. *Bioethics Journal*, Special Issue on Ethical & Legal Reflections 2021; 157-169.

## جایگاه حق و تکلیف در شکل‌گیری اخلاق زیستی مطلوب در خانواده از نظر مرتضی مطهری

محمداسماعیل لطفی دیبا<sup>۱</sup>، سیدخدایار مرتضوی<sup>۲\*</sup>، سیدمصطفی تقوی مقدم<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار و عضو هیأت علمی، گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: skmortazavia@gmail.com

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، عضو هیأت علمی پژوهشکده تاریخ معاصر، تهران، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۲

### چکیده

**زمینه و هدف:** عوامل متعددی بر شکل‌گیری اخلاق زیستی مطلوب در خانواده نقش دارند که از جمله مهم‌ترین آنان، حقوق و تکالیف اعضای خانواده از جمله زن و شوهر به عنوان اساس نظام خانواده است. با توجه به اهمیت ارتباط حق و تکلیف و شکل‌گیری اخلاق زیستی مطلوب، پژوهش حاضر به بررسی این مهم از منظر مرتضی مطهری پرداخته است.

**مواد و روش‌ها:** با توجه به ماهیت نظری و کیفی موضوع این مقاله، روش مورد استفاده تلفیقی توأمان از دو روش متن‌گرایی و زمینه‌گرایی است که طی آن هم بر متون و فهم معنای آن‌ها تمرکز می‌شود و هم شرایط تاریخی و بستر سیاسی تألیف این متون و نیز تحولات فکری و اجتماعی زمانه مولف بررسی می‌شود. اطلاعات نیز به شیوه اسنادی و از طریق فیش برداری گردآوری می‌شود.

**ملاحظات اخلاقی:** اصول مرتبط با اخلاق در پژوهش و به ویژه امانتداری در اسناد به متون و ارجاعات مقاله، رعایت گردیده است.

**یافته‌ها:** در آثار مطهری، الگوی اخلاق زیستی مطلوب در خانواده بر مبنای احترام به حقوق و تکالیفی است مبتنی بر استعداد فطری و توانایی اکتسابی و همچنین حاکم شدن حسن معاشرت (عاشروهن بالمعروف). همچنین، مبنای بودن اصل تساوی به معنای درک تفاوت‌های فردی، وفاداری و از خودگذشتگی در خانواده و فراهم‌ساختن اسباب لازم برای تربیت فرزندان صالح و نیکو از جمله ابعاد اخلاق زیستی مطلوب در نظام خانواده هستند.

**نتیجه‌گیری:** الگوی نظام اخلاقی خانواده از نظر مطهری مبتنی بر نفی رویکرد مادی‌گرایانه در انجام حقوق و تکالیف، پذیرش تفاوت‌ها به عنوان عاملی برای شناسایی حقوق و تکالیف، توجه به تفاوت‌های فردی، پذیرش اختلافات فطری و توانایی‌های اکتسابی انسان‌ها به عنوان اصلی مکمل و پیش‌ران در نظام خانواده و همچنین تعبیر هدیه‌گونه از مهریه است. در الگوی اخلاق زیستی در خانواده از نظر مطهری، حتی به جزئی‌ترین امور از جمله اشتغال زنان، آرایش و معطر بودن و گفتار و کلام زوجین نیز توجه خاصی نشان داده شده است.

**واژگان کلیدی:** حق؛ تکلیف؛ اخلاق زیستی؛ خانواده؛ مطهری

## ۱. مقدمه

حق و تکلیف به عنوان ابعاد اساسی زندگی انسانی، از جمله خانواده به شمار می‌روند که در نظام خانواده نیز از اهمیت خاصی برخوردار هستند. هر انسانی در جامعه‌ای که زندگی می‌کند، هم دارای حقوقی است و هم اینکه برای تعامل با سایر انسان‌ها نیازمند انجام مسؤولیت و تکالیفی است. در این میان، خانواده نیز به عنوان یک نهاد مهم اجتماعی متشکل از افرادی است که در تعامل با یکدیگر هستند و هر یک از اعضای خانواده با توجه به نقشی که ایفا می‌نمایند، حقوق و تکالیفی نیز بر آن مترتب است. به طور مشخص بیش از همه حقوق زوجین مطرح است که با وقوع عقد نکاح، آغاز می‌شود و هر یک از طرفین با توجه به شرایطی که در آن جامعه، خانواده و نقش‌هایی که در جامعه و یا در خانه بر عهده دارند، حقوق و تکالیفی برای آنان در نظر گرفته می‌شود. با توجه به اینکه نهاد خانواده در اسلام و از جمله در نزد اسلام‌شناسان شیعی بسیار مورد توجه و اهتمام است و بستر مناسبی برای بسط و شکل‌گیری اخلاق زیستی نیز تلقی می‌شود، بررسی نقش و جایگاه حقوق و تکالیف افراد در این بستر حائز اهمیت فراوانی است.

اخلاق زیستی مطلوب در واقع به شیوه‌ای از زندگی فردی و اجتماعی اطلاق می‌شود که در آن، زندگی انسانی فارغ از مناسبات حقوقی و قانونی و بر مبنای رعایت قواعد اخلاقی تنظیم می‌شود و به پیش می‌رود. بر این اساس، اهمیت نهاد خانواده از آنجایی روشن می‌شود که هر یک افراد در صورت رعایت تکالیف خود و همچنین دستیابی به حقوق، توانایی ایجاد نظم شایسته برای شکل‌گیری اخلاق مطلوب زیستی ایجاد می‌کنند. در این صورت، پرداختن به مسأله حق و تکلیف و ارتباط آن با اخلاق زیستی مطلوب از نظر مطهری به عنوان یکی از فقه‌های برجسته معاصر، می‌تواند چشم‌انداز روشنی از دستیابی به اخلاق زیستی مطلوب را در خانواده به ما نشان دهد. بر این اساس، تلقی اخلاق‌گرایانه از حقوق و تکالیف افراد در خانواده از جمله زن و شوهر، امری جدا از حقوق و قانون است و تا زمانی که اخلاق و مناسبات اخلاقی بر حقوق و تکالیف حاکم است، قواعد آمرانه قانون به طور مداوم

تعیین‌کننده روابط افراد در خانواده نخواهند بود. با این استدلال بررسی جایگاه حق و تکلیف در شکل‌گیری اخلاق مطلوب در خانواده اسلامی از نظر مطهری به عنوان الگویی برای حاکم‌کردن رفتارهای مبتنی بر اخلاق، امری مهم و از جمله ضرورت‌های جامعه معاصر ما است. به این دلیل که در شرایط کنونی، بخش زیادی از جامعه، نه تنها از حقوق و تکالیف خود مطلع نیستند، بلکه یگانه راه برای دستیابی به حقوق خویش را مراجعه به دستگاه‌های قضایی و قانونی می‌دانند، حال آنکه شناخت از حقوق و تکالیف و عمل بر مبنای آنان، سامانبخش زندگی در خانواده و فراهم‌کننده اخلاق زیستی مطلوب در این نهاد مهم و مقدس است. بنابراین پژوهش حاضر با درک این ضرورت‌ها به بررسی جایگاه حق و تکلیف در شکل‌گیری اخلاق زیستی مطلوب در چارچوب خانواده در آرای مرتضی مطهری پرداخته است.

از جمله تحقیقات پیشین مرتبط در این زمینه می‌توان به بررسی حقوق و تکالیف غیر مالی زوجین در آرای امام خمینی (ره) (۱۳۹۶ ش.) به قلم موسوی بجنوردی و مهرگان صومعه‌سرای اشاره کرد، که از منظر قاعده مصلحت در اندیشه امام خمینی به حقوق و تکالیف زوجین پرداخته است. همچنین در مطالعه زن در آئینه جمال و جلال (۱۳۷۲ ش.) توسط جوادی آملی به روابط زوجین از جمله حقوق و تکالیف آنان اشاره شده است که زن را به عنوان موجودی عاطفی و الگویی برای تربیت در خانواده معرفی نموده است. در مطالعه پروین و حسینی (۱۳۹۲ ش.) نیز آثار فقهی و حقوقی ریاست زوج در رابطه با زوجه مورد بحث قرار گرفت و چنین نتیجه گرفته شد که الگوی تقسیم کار زن در خانه و مرد در بیرون خانه الگوی نسبتاً پذیرفته شده‌ای در فقه است. در مطالعه قاسمیان (۱۳۹۹ ش.) نیز حقوق و تکالیف اعضای خانواده و آموزه‌های قرآن مورد بحث قرار گرفت که تربیت صحیح فرزندان را منوط به رعایت حق و تکالیف اعضای خانواده می‌داند. در مطالعه صفایی و امامی (۱۳۹۴ ش.) تحت عنوان مختصر حقوق خانواده، انواع رویکردهای فقهی و حقوقی درباره حقوق و تکالیف زوجین مطرح شده است که از جمله به انتقاد از برخی رویکردهای حقوقی نیز پرداخته شده است.

تنظیم و تعدیل روابط آنان شود، زیرا تقدس نهاد خانواده نمایانگر حاکمیت مناسبات اخلاقی در آن است و حقوق تنها جایی مطرح می‌شود که شرایط غیر عادی پیش آید و نظم مطلوب خانواده و روابط اعضای آن دچار خلل جدی شود. به عبارتی دیگر، حقوق وقتی مطرح است که اوضاع دگرگون می‌شود و عشق، ایثار و فداکاری، جای خود را به ناسازگاری و زیاده‌خواهی می‌دهد، در این صورت حقوق به کار می‌آید. از نظر مطهری، توجه به اصول کرامت و ارزش انسانی، تفکیک وظایف بر مبنای صلاحیت و علاقه فردی، تلقی هدیه‌گونه از مهریه و نفی رویکرد اقتصادی به آن و همچنین رعایت اصل وفاداری، روابط مبتنی بر حسن معاشرت (عاشروهن بالمعروف) و مزید بر این، مبنابودن اصل تساوی به معنای درک تفاوت‌های فردی، بسترهای لازم برای شکل‌گیری اخلاق زیستی مطلوب در خانواده تلقی می‌شوند. عمل بر مبنای حقوق و تکالیف نه بر مبنای تفاوت‌های ابدی فطری، بلکه از طریق توانایی‌های اکتسابی نیز صورت می‌گیرد. به همین دلیل است که در آرای مطهری، اشتغال زنان و همچنین بهره‌مندی توأمان از آزادی اجتماعی و آزادی معنوی به عنوان الگویی برای اخلاق زیستی مطلوب در نظام خانواده و تنظیم مناسبات خانواده با جامعه قابل طرح است.

#### ۵. بحث

برقرارشدن اخلاق و تحکیم نهاد خانواده، نیازمند حاکم‌شدن حق و تکلیف زوجین بر مبنای مناسبات اخلاقی و به دور از نگرش قانونی است. گام اول برای شکل‌گیری اخلاق زیستی مطلوب در خانواده از نظر مطهری آن است که حق و تکلیف به عنوان دو مقوله پیوسته و مرتبط با هم در نظر گرفته شوند، زیرا از نظر وی، در صورتی که میان حق و تکلیف ملازمت برقرار باشد (۲)، تبعیض، بی‌عدالتی و نابرابری جنسی در خانواده نیز احساس نمی‌شود و یا آن‌که آثار تبعیض در خانواده از بین می‌رود. بدین معنا که زن در مسائل تربیتی و مدیریت امور خانواده ایفای نقش می‌کند و مرد نیز عهده‌دار مسائل اقتصادی خانواده می‌شود، هرچند این تقسیم‌بندی مطلق نیست و تحت شرایط مختلفی زنان می‌توانند به فعالیت

مطالعات مطرح‌شده، هرچند به لحاظ بررسی حقوق و تکالیف، با پژوهش حاضر نیز هم جهت هستند، اما رویکرد پژوهش حاضر به دنبال بیرون‌کشیدن الگوی اخلاق زیستی مطلوب از طریق بررسی نظام حقوق و تکالیف در خانواده از نظر مطهری به عنوان یکی از اسلام‌شناسان برجسته است.

#### ۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش مقاله حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، اصول صداقت و امانتداری و به ویژه ارجاع‌دهی به صورت دقیق و بر مبنای اصول اخلاقی رعایت شده است.

#### ۳. مواد و روش‌ها

با توجه به اینکه، مقاله حاضر از نوع نظری و کیفی است، روش مورد استفاده برای صورت‌بندی مساله و پاسخگویی به آن، تلفیق توأمان دو روش متن‌گرایی و زمینه‌گرایی است. مطابق روش متن‌گرایی، تمرکز بر متون و تلاش برای فهم معنای آنهاست. از این منظر، متن دارای جهاتی است مستقل و خواننده برای دریافت پیام و معنای متن باید افق تجربیات خود را با افق مفاهیم و مضامین متن هماهنگ کند. اما، در روش زمینه‌گرایی، بستر سیاسی تألیف متون و تحولات فکری و اجتماعی زمانه مولف بررسی می‌شود (۱).

با تلفیق این دو روش و قراردادن متون مطهری در چارچوب تاریخی-اجتماعی ایران معاصر، به مساله موردنظر پرداخته و مدعای مقاله به محک آزمون گذاشته شد. اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و از طریق فیش برداری از اسناد، کتب و مقالات گردآوری شده است. عمده منابع مورد استفاده در تحقیق آثار و متون مطهری از جمله مجموعه آثار و نظام حقوقی زن در اسلام به عنوان منبع اصلی در زمینه موضوع حاضر است.

#### ۴. یافته‌ها

با بررسی آرای مرتضی مطهری بدین نتایج دست یافته‌ایم که طبیعت خانواده و نوع رابطه اعضای آن با یکدیگر به گونه‌ای است که حقوق و قانون به تنهایی نمی‌تواند باعث

اقتصادی اشتغال داشته باشند و مردان نیز در امر تربیت و نگهداری از فرزندان فعالیت کنند، اما اگر این رویه حاکم باشد که هر حقی برای هر یک از زوجین، تکالیفی برای آنان ایجاد نماید، تبعیض و بی‌عدالتی به عنوان مقولاتی ضد اخلاق از خانواده رخت برمی‌بندد. تحقق این هدف از نظر مطهری، نیازمند توجه به تفاوت‌های زن و مرد و تأثیر آن در پذیرش نقش‌های متفاوت است (۳)، زیرا در نظام حقوقی اسلام، هر انسانی دارای استعدادی خاص است که در نهاد وی گذاشته شده است و بر مبنای این حق و توانایی، تکالیفی نیز بر عهده وی گذاشته شده است. ضمن اینکه علاوه بر استعدادهای خداوندی، راه برای اکتساب توانایی‌ها برای هر فردی (اعم از زن و مرد) نیز هموار است که این توانایی‌های اکتسابی نیز می‌تواند باعث ایجاد حقی برای صاحب آن شوند. در هر صورت، اصول اخلاقی حکم می‌کند که بر عهده افراد دارنده حق، تکالیفی نیز در نظر گرفته شود (۴). این رویه برای افرادی که در یک خانواده زندگی می‌کنند، صادق است و غالباً به حقوق و تکالیف زوجین اشاره می‌کند. ترسیم حق و تکلیف اختصاصی برای زوجین نشانگر وجود عدالت در نظام خانواده در اسلام است که خود نیز اصلی اخلاقی است.

از نظر مطهری، یکی از مفاهیم عدالت که در ارتباط با اخلاق نیز قرار دارد آن است که استحقاق‌های طبیعی و واقعی افراد در نظر گرفته شود و به هر انسانی مطابق با آنچه بر حسب کار و استعداد لیاقت دارد، داده شود (۵). همین ویژگی عدالت استحقاقی باعث شده تا زن، عهده‌دار وظایف خاصی باشد و مرد نیز وظایف خاصی را بر عهده بگیرد. از نظر مطهری، محدودیتی که برای زن غرق در مهر و عاطفه وجود دارد در سه موضوع عقلانی است که زمام آن‌ها را به دست تعقل سپرده است که از محیط عاطفه و احساس باید جدا شوند و موضوعات سه‌گانه نام برده، شامل حکومت، قضا و جهاد هستند. البته این بخش از اندیشه مطهری مبتنی بر نگرشی متمایز و یا استدلال جدیدی نیست و به نظر می‌رسد در چارچوب سنت رایج و به ارث رسیده به وی چنین محدودیت‌هایی مطرح می‌شود. کما اینکه در همین بستر فکری و اجتماعی است که در سالیان اخیر تحولاتی فکری از

سوی برخی فقهای معاصر در رفع برخی از این محدودیت‌ها صورت پذیرفته است. برای مثال، شهید بهشتی در هنگام تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی با نامزدی زنان برای ریاست جمهوری مخالفتی نداشت و حتی تعبیه کلمه «رجال» در قانون اساسی را براساس شرایط خاص جامعه ایران در آن روزگار و ترکیب اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی توجیه می‌کند که اکثریت آن را فقها تشکیل می‌دادند و از طرفی به نفوذ عمیق مراجع تقلید و علمای دینی سنتی در جامعه و مخالفت آنان با این موضوع اشاره می‌کند و بر این باور است که با تغییر شرایط اجتماعی در گذر زمان می‌توان نسبت به بازنگری و تجدیدنظر در این اصل اقدام کرد. همچنین، آیت‌الله صاعی در دهه‌های اواخر عمر خویش بر مجازدانستن واگذاری شغل قضاوت و اجتهاد به زنان و همچنین بر برابری زن و مرد تاکید می‌کرد. باوجود این، از منظر رویکرد زمینه‌گرایی می‌توان اذعان کرد که مطهری در زمینه فکری و اجتماعی ایرانی-اسلامی چنین محدودیت‌هایی را برای زنان مسلمان قایل بود و همانند پیشینیان بر دوگانه عقل و عاطفه در مرد و زن تکیه می‌کرد. بنابراین از نظر وی، هر استعداد طبیعی، مبنای یک حق طبیعی است و یک سند طبیعی نیز برای آن شمرده می‌شود (۵). به همین نسبت حقوق، محدوده و گستره عملی که برای هر یک از زوجین در نظر گرفته شده است، تکالیفی نیز بر عهده آنان نهاده شده است. بر مبنای انجام تکالیف و بهره‌مندی از حقوق است که می‌توان علاوه بر تقسیم کار، زمینه را برای گسترش فضای محبت و از خودگذشتگی در خانواده مشاهده نمود. ایجاد صمیمیت و مهربانی در نظام خانواده بخش مهمی از اخلاق زیستی مطلوب به شمار می‌رود. از نظر مطهری، همچنانکه انجام تکالیف مربوط زنان و مردان، ناشی از خلقت و طبیعت ناهمسان آن‌هاست، این وضعیت سبب می‌شود که آنان در بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازات‌ها وضعیت مشابهی نداشته باشند (۵). احترام به تفاوت‌های نظام خلقت به معنای احترام به تفاوت‌های جنسی و پذیرش مسأله «تفکیک تکالیف» است که خود اصلی اخلاقی و کمک‌کننده اخلاق زیستی مطلوب به شمار می‌رود. بر مبنای دیدگاه مرتضی مطهری، پذیرش تفاوت‌ها نوعی رویکرد اخلاقی

است که بیانگر اصل «تناسب» است و نقص و عدم کمال شمرده نمی‌شود. این تفاوت‌ها در حقوق و تکالیف، به منزله تحقق سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها از طریق نظام خانواده است. حقوق و تکالیف متفاوت، با عدالت و حقوق فطری انسانی سازگارتر است و سعادت خانوادگی را بهتر تضمین می‌کند و همچنین امور اجتماع را به نحو بهتری به جلو می‌برد (۵). اما آنچه از نظر مرتضی مطهری برجسته می‌نماید، تفکیک به معنای جداسدن اعضای خانواده و دورشدن آنان از یکدیگر نیست، بلکه آنچه مهم است هم‌افزایی توانایی‌های فطری و اکتسابی اعضای خانواده برای فراهم‌شدن شرایط مناسب زیست در این نهاد مقدس و بااهمیت است که به کمال‌رساندن اعضای خانواده و تربیت افرادی مسؤولیت‌پذیر در جامعه را به عنوان یک هدف اصلی می‌نگرد. در این صورت است که حقوق و تکالیف، هرچند به صورت تخصصی مطرح می‌شوند، اهمیت قابل توجهی در شکل‌گیری اخلاق زیستی مطلوب در خانواده بر عهده خواهند داشت.

مطهری این سبک از زندگی را با مد نظر قراردادن مقام انسانی زن در قرآن، مورد توجه قرار می‌دهد (۳)، از جمله اینکه زن در قرآن و احادیث به عنوان موجودی برابر با مردان در نظر گرفته است و همواره از حقوق برابر برخوردار بوده است. اصل فراگیر همان اصلی است که در قرآن مطرح شده است و انسان‌ها با هم برابر شمرده شده‌اند و ملاک برتری آنان تنها در علم، تقوا، دانش و جهاد است (سوره زمر، آیه ۹؛ سوره مجادله، آیه ۱۱؛ سوره نساء، آیه ۵۹؛ سوره محمد، آیه ۳۱؛ سوره حجرات، آیه ۱۳). به طور دقیق این تأکید در آیه ۹۷ سوره نحل بیان شده است که خداوند متعال می‌فرماید: «هرکس از مرد و زن عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد، به او حیات و زندگی پاکیزه‌ای می‌بخشیم و پاداش آن‌ها را به نحو احسن خواهیم داد» (۶). در صورت ملاک قرارگرفتن «اعمال صالح» به عنوان مقدمه‌ای برای دستیابی به حیات طیبه و گرفتن پاداش، مطرح‌کردن تبعیض و بی‌عدالتی علیه زنان در اسلام نیز اعتباری ندارد. از نظر برخی از فقها این طرز تلقی‌های نادرست، ارتباطی با دین الهی ندارند و در پرتو برداشت‌ها و پیش‌داوری‌های شخصی حاصل می‌شوند (۷).

از جمله عوامل اثرگذار در تعیین مناسبات حق و تکلیف در خانواده، وضعیت حقوقی زنان در یک جامعه و به تبع آن نظام خانواده است. این مسأله بیش از پیش در دیدگاه مطهری برجسته است و بخش اعظمی از آثار وی به حقوق زن در اسلام و یا مقایسه حقوق زنان در اسلام و سایر مکاتب فلسفی اختصاص دارد. حق و تکلیف زنان از نظر مطهری دارای ارتباط و وابستگی متقابلی هستند که یکی بدون دیگری معنایی ندارد. در این صورت، حصول به نظام احسن خلقت که خود مظهر اخلاق و نیکی است، قابل دستیابی است. عنصر معنویت، شاکله نظام اخلاقی در خانواده است که در ارتباط با شرایط وضعیت بیرونی افراد نیز قرار دارد. به عنوان مثال، در نگاه مطهری، آزادی‌های اجتماعی زنان بدون توجه به آزادی معنوی معنایی ندارد (۸). بنابراین بررسی حقوق و تکالیف زنان بدون اینکه نگاه عمیقی به جایگاه آنان در برقراری مناسبات اخلاقی در پی داشته باشد، ترجمان دیگری از جاهلیت پیش از اسلام و حتی جاهلیت غربی است که در اشکال مختلف دیده می‌شود؛ اما در اخلاق اسلامی، حق و تکلیف بر اساس نیازهای زمانه تعریف شده و با توجه به جامعیت و دقیق‌بودن احکام اسلامی، با مقتضیات زمان و مکان نیز انطباق دارند (۳)، اما در این فرایند، ساختن جامعه سالم از طریق مشارکت تعاملی زن و مرد امکان‌پذیر می‌شود که کرامت، شایستگی و حقوقی برابر برای زنان و مردان در نظر گرفته است. بنابراین جای هیچ تردیدی وجود ندارد که زن از لحاظ انسانیت، شایستگی و حقوقی، هم‌تراز با مردان است (۹). بدین ترتیب از حیث برخورداری از حقوق و تکالیف، زنان و مردان در برخی از آنان مشترک و مشابه و در برخی نیز جدا و متفاوت هستند و هر یک براساس توانایی و صلاحیت خویش، حقوقی داشته و تکالیفی نیز بر عهده دارند. به عنوان مثال، در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، هر یک می‌توانند بر اساس وظیفه انسانی خود اقدام نموده و بر مبنای توصیه‌های کتاب و سنت عمل کنند. این مقوله اختصاصی به مردان نداشته و زن و مرد را شامل می‌شود (۹)، اما بدیهی است که تفاوت در حقوق و تکالیف، تنها نشانه‌ای از خلقت متفاوت است و مبنایی

برای جدایی اعضای خانواده از یکدیگر نیست؛ بلکه مکمل یکدیگرند.

حق و تکلیف در اندیشه مطهری از آنجایی که بر مبنای عدالت فطری و اکتسابی بنا شده است، برای افراد خانواده قابل پذیرش است و هر یک برحسب توانایی‌ها و ویژگی‌های خود نسبت انجام تکالیف و دستیابی به حقوق خویش اقدام می‌کنند. در اندیشه مطهری، عدالت یعنی منظور داشتن استحقاق‌های طبیعی و واقعی و همچنین در نظرگرفتن استعدادها و لیاقت‌ها و تلاش‌های انسانی (۵). بنابراین حق و تکلیف مشخص شده برای افراد بر مبنای ویژگی‌های فطری و همچنین توانایی‌های اکتسابی است که هر یک بر اساس تلاش و کوشش خود به دست می‌آورند. بدیهی است در صورتی که اعضای خانواده بتوانند بر اساس توانایی‌های درونی و عوامل محیطی موفقیت‌هایی کسب کنند، آثار مادی و معنوی آن نیز در خانواده هویدا می‌شود و آثار اخلاقی مطلوبی نیز بر جای می‌گذارد، ضمن اینکه در صورت برخورداری از حقوق فطری و اکتسابی، تکالیفی نیز برای هر کدام در نظر گرفته می‌شود. در این صورت است که توازن میان حقوق و تکالیف برقرار شده و زمینه‌های لازم برای اخلاق زیستی مطلوب، عادلانه و سرشار از آرامش در خانواده برقرار می‌شود. به عنوان مثال یکی از معیارهای اخلاق زیستی مطلوب، وجود آرامش در خانواده است که خود نیز ناشی از انجام تکالیفی است که بر عهده فرد گذاشته شده است. بنابراین درک نیازمندی‌های روحی و عاطفی متقابل زوجین، از جمله اصول اخلاقی‌ای است که آرامش انسان را تأمین می‌کند و از آشوب و اضطراب‌های زندگی انسانی جلوگیری می‌کند (۱۰).

تفاوت‌های فردی از منظر مطهری، عاملی برای اختلافات در خانواده نیست، بلکه تمکیل‌کننده رفتارهای همدیگر و عاملی برای شکل‌گیری رفتارهای اخلاقی در خانواده است، زیرا نواقص هر یک از اعضای خانواده توسط دیگری تکمیل می‌شود و تعاون و همکاری را نیز تقویت می‌کند. با توجه به اهمیت رفتارهای فردی در خانواده، حقوق و تکالیف انسانی بر مبنای ساختار فیزیکی و روانی و همچنین جایگاهی است که در جامعه و در نزد مقام آفرینش دارد. خداوند متعال پس از

توضیح مسأله آفرینش زن و مرد اولیه، خطاب به تمام انسان‌ها بیان می‌دارد: «یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکر و أنثی و جعلناکم شعربا و قبائل لتعارفوا إنا اکرماکم عندالله أتقکم؛ ای مردم به درستی که ما آفریدیم شما را از مذکر و مؤنثی و گردانیدیم شما را شعبه‌ها و قبیله‌ها تا یکدیگر را بشناسید، به درستی که گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست» (۵).

آیه فوق به خوبی اهمیت تفاوت‌ها و فلسفه اختلاف سلیقه، قوم و قبیله را به ما نشان می‌دهد. همین مسأله گواهی بر پذیرش تفاوت‌های فطری و اکتسابی در نظام خانواده و توصیه‌ای برای زیست مسالمت‌آمیز اعضای خانواده در کنار یکدیگر است. همچنین بیانگر نگرش کلی دین اسلام و آموزه‌های دینی و اخلاقی است که می‌تواند به عنوان مبانی حقوق و تکالیف انسانی نیز تلقی شود. بدین معنا که قرآن کریم با بیان این اصل اساسی و محوری همه رویکردهایی را که تا آن دوره، زن را به لحاظ کرامت انسانی ناچیز می‌شمردند، باطل شمرده و ملاک برتری انسانی اعم از زن و مرد را در داشتن تقوا می‌داند (۱۱). علاوه بر این، تکیه بر اصل کرامت و تقوا فارغ از هر نوع نگاه جنسی و جسمی نشانگر آن است که اخلاق و عمل بر مبنای آن، سازنده خانواده مطلوب در اسلام است و تا وقتی که اخلاق حاکم است، نیازی به مراجعه به قانون نیست. اخلاقی که برای زیستن مطلوب و مسالمت‌آمیز مطرح شده است و می‌توان تحت عنوان «تقدم اخلاق بر حقوق» از آن یاد کرد. از منظر اخلاق زیستی در اسلام، استدلال بر این است که منزلت هر فرد در خانواده و حتی اجتماع تنها به ارزش انسانی او وابسته است و هر چقدر که فضیلت روانی هر انسانی دارای ارزش باشد، اعتبار و منزلت او نیز بیشتر خواهد بود (۱۲). فضیلت نیز امری است که در خانواده به عنوان منشأ «احسن بالمعروف» شناخته می‌شود و رفتارهایی که مقام و اعتبار انسانی را به عنوان یک زوج و عضوی از خانواده برکشد، نقش مهمی در بهبود مناسبات خانوادگی و شکل‌گیری اخلاق زیستی مطلوب خواهد داشت. به بیانی دیگر، ارزش شخصیت هر انسانی به روشی که وی اتخاذ می‌کند، وابسته است و اگر انسان بتواند نفس خود را از پستی و دنائت بیرون بکشد، به مقام بالای انسانی دست پیدا

آنچه در اسلام تحت عنوان حقوق و تکالیف خانواده مطرح می‌شود، در هیچ مکتب و مدرسه‌ای مورد توجه و اهمیت قرار نگرفته است. به طور مشخص در اینجا مقصود حقوق زن است (۱۶). در وهله اول، اصلی‌ترین وظیفه زن و شوهر درک یکدیگر و پس از آن، یادگرفتن آیین همسراری در خانه است. بدین ترتیب زن و شوهر باید در آغاز زندگی و در حین آن، آیین همسراری را یاد بگیرند و در عمل نیز آن را به کار ببرند. به این دلیل که «فضای خانه می‌تواند مأمونی برای ایجاد معنویت و سلوک و تکامل زوجین باشد، البته اگر آنان در خانواده سعه صدر داشته باشند، زیرا گفتار می‌تواند مؤثر باشد، اما عمل مهم‌تر است و تأثیر کامل و مطلوبی دارد (۱۷).

از سوی دیگر نظر مطهری بر این است که هدف احکام اسلامی، توجه به حقوق و تکالیف انسانی بر مبنای کرامت انسانی و تقوای فردی است و ملاک‌های دیگری نظیر جنسیت نقش تعیین‌کننده‌ای در حقوق و تکالیف ندارند. به بیان ایشان، دو هدف اصلاح نظام معیشتی و توجه‌کردن به آخرت، مراتب مهمی از حقیقت واحد کمال نوع بشر تلقی می‌شود که انبیا در هدایت بشر، به هر دو اصل توجه نشان دادند و آن را به عنوان هدف اصلی خود در نظر گرفته‌اند (۱۸). به نظر می‌رسد که هم مسأله اصلاح نظام معیشتی و هم توجه‌کردن به آخرت با مسأله شکل‌گیری اخلاق زیستی مطلوب در نظام خانواده ارتباط وثیقی دارد، زیرا خانواده به عنوان بنیان نظام اجتماعی در اسلام، از نظر فقها، نقش تعیین‌کننده‌ای در ساختن اخلاق زیستی مطلوب برای بهبود زندگی فردی و اجتماعی بر عهده دارد. برای پی‌بردن به این مسأله نیازمند بررسی حقوق و تکالیف افراد در خانواده از جمله زوجین هستیم. بدیهی است که در این تقسیم‌بندی مهم روابط بیرونی زن و شوهر و هم رفتارهای جزئی آنان در خانه نقش مهمی در شکل‌گیری و یا عدم شکل‌گیری اخلاق زیستی مطلوب در خانواده دارد.

حق و تکلیف در نظام خانواده دارای تفاوت بنیادی با سایر نهادها و نظام‌های اجتماعی است. از جمله اینکه روابط اعضای خانواده از نظر مطهری می‌بایست بر مبنای عشق، فداکاری، حفظ اسرار و وفاداری بنا شده باشد. بدین معنا که بنیان مقدس خانواده بر عشق و محبت و روابط عاطفی و صمیمانه

می‌کند و اگر عزت و اعتبار معنوی خود را به کناری بگذارد، به پستی و رذالت می‌گذارد (۱۳).

هرچند خانواده شامل همه اعضای خانواده، از جمله فرزندان نیز است، اما در یک نگاه کلان، زن و شوهر به عنوان بنیان خانواده شمرده می‌شوند. با توجه به اینکه، تفاوت‌های جسمی و جنسی، رفتاری، ژنتیکی و فردی در میان افراد متفاوت، حقوق و تکالیف آنان نیز متفاوت است. در این خصوص مطهری بیان می‌دارند: استعداد‌های زن و مرد با هم متفاوت هستند و تکالیفی که قانون خلقت برای آنان در نظر گرفته است و حقوقی که برای آنان تعریف شده است، دارای تفاوت‌های زیادی با یکدیگر هستند (۱۴)، هرچند در دستیابی اعضای خانواده به حقوق در اسلام، مساوات حاکم است، اما ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی نیز مد نظر است. به عبارتی دیگر در تفکیک حقوق اعضای خانواده از نظر اسلام، مساوات به معنای آن نیست که هر یک از افراد خانواده، حقوق و وظایف مشابهی با دیگری داشته باشد، بلکه مساوات در اینجا به معنای تعدیل است (۱۵).

از نظر مطهری، عدل و مساوات به معنای برقراری روابط کاملاً تساوی میان زن و مرد و سایر اعضای خانواده نیست. از نظر ایشان، عدل، اعطای حق به صاحب حقی است که استحقاق آن را داشته باشد (۱۴). توجه به استعداد، توانایی و ظرفیت افراد به معنای تلاش برای انجام وظایف و تکالیفی است که بر عهده هر شخصی گذاشته شده است و بر اساس همان نقش و تلاشی که انجام می‌دهد، حقوقی نیز برای وی در نظر گرفته می‌شود. به عبارتی دیگر، اقتضای تساوی آن است که به هر صاحب حقی حقتش به اندازه ظرفیت داده شود. بنابراین تساوی به معنای این نیست که در مقدار و چگونگی با هم برابر باشند. در همین جا می‌توان نشانه‌های تفکیک حق و تکلیف را در آرای مطهری پی گرفت.

البته، برخی دیگر از فقها بر این باور هستند که حقوقی که زن و شوهر نسبت به یکدیگر دارند تا بنیان خانواده بر آن بنا شود، در قرآن مجید و روایات به طور دقیق بیان شده است. وقتی که انسان این حقوق متقابل را مطالعه می‌کند، معجزات فرهنگ اسلام را در این باره مشاهده می‌کند. بدین ترتیب

فرمودند: «آگاه باشید هر زنی که با شوهر خود همراه نباشد و اهل مدارا و رفاقت با او نباشد، و شوهر را به اموری وادار کند که از توان شوهر خارج باشد و یا توان تحمل آن‌ها را ندارد، خداوند اعمال نیک او را قبول نمی‌کند. پرودگار به هنگام ملاقات با چنین زنی، خمشناک برخورد می‌کند» (۲۰). به زعم مطهری، از جمله مواردی که به عنوان یکی از تکالیف زن در اسلام مورد توجه قرار گرفته است، توجه به نیازهای جنسی شوهر خویش است، زیرا توجه نشان‌دادن به این مسأله نشانگر وجود رابطه مبتنی بر «وفاداری» است. همانطور که در آرای مطهری نیز بیان شده است که عواطف پاک و صمیمی بین زوجین و برقراری اتحاد و یگانگی کامل در نهاد خانواده، مسأله‌ای مهم است؛ زمانی می‌توان به این مهم دست یافت که زوجین در امور جنسی فقط به همسر قانونی خویش توجه و از دیگران چشم‌پوشی کنند (۲۱). به عبارتی دیگر، توجه به شریک جنسی خود و چشم‌برداشتن از دیگری، به منزله رعایت اصول اخلاق زیستی در خانواده است که اعضای خانواده را از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دور می‌سازد.

استدلال مطهری مبنی بر عواطف پاک میان خانواده، چشم‌پوشی کردن شوهر از غیر زن خود و همچنین معطوف بودن توجه وی به همسر قانونی خویش، بخش مهمی از اخلاق زیستی مطلوب در خانواده است که در واقع مؤید رویکرد دین اسلام نسبت به انجام صحیح و نگاه داشتن جانب اخلاق در حقوق و تکالیف طرفین و شکل‌گیری اخلاق زیستی مطلوب برای آنان است. روایات متعددی در این باره می‌توان ذکر کرد که بر جزئی‌ترین مسائل برای سامان‌بخشیدن به نظام اخلاقی خانواده تأکید ویژه دارند، از جمله بر خوشبو بودن طرفین برای شکل‌گیری اخلاق زیستی مطلوب میان اعضای خانواده تأکید شده است. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که در پاسخ زنی که از او درباره حقوق شوهر بر همسرش سؤال کرد، چنین فرمودند: «وظیفه زن، آن است که خود را به خوشبوترین عطرها معطر سازد، بهترین لباس‌هایش را بپوشد، بهترین زیور آلاتش را دربر کند و صبح و شام خود را به شوهرش عرضه نماید» (۲۲). بنابراین به طور صریح، تکالیف زن به عنوان مهم‌ترین عضو خانواده آن است که حقوق مادی

پی‌ریزی شده است و بهترین راه تحکیم اساس خانواده و صیانت آن، رعایت اخلاق انسانی از سوی زن و شوهر است و خانواده نمونه و شایسته در اسلام، خانواده‌ای است که دستورهای دین و عقل را در همه زمینه‌ها، از جمله مسائل اخلاقی رعایت کند (۱۹). خوش اخلاقی در همه جا و از همه کس پسندیده است، ولی از زن و شوهر در محیط خانواده پسندیده‌تر است. معیارهای متعددی برای رعایت اصول اخلاقی در خانواده وجود دارد که از جمله آن توجه زن و شوهر به نیازهای یکدیگر است. در روایات متعددی بر پاسخگویی اعضای خانواده نسبت به رعایت حقوق یکدیگر تأکید شده است که حتی بیان نیازها، خواسته‌ها، تکالیف نیز می‌بایست به شکل احترام آمیز بیان شده و از سوی طرفین و با احترام متقابل برآورده شوند. مطهری در این خصوص نکاتی را مطرح می‌کند که متضمن نوآوری و التفات به گونه‌ای برابری و عدالت در روابط زوجین در خانواده است. آنچنانکه وی برخی وظایفی که بطور سنتی برعهده زنان گذاشته شده را نادرست و بی‌مبنا تلقی می‌کند و اساساً در صدد متحول کردن آنهاست. برای نمونه، از منظر رویکرد متن‌گرای در کتاب *نظام حقوق زن در اسلام* مواردی همچون درست کردن غذا، ظرف شستن، لباس شستن و نظافت خانه را نه وظیفه زن به تنهایی بلکه وظیفه هر دو می‌داند و در پی تغییر این وضعیت است. او حتی تا بدانجا پیش می‌رود که بصراحت تأکید می‌کند که در انجام این دست‌امور، زن محق است که در ازای این کارها از مرد طلب دستمزد کند و از این هم مهم‌تر اینکه زن محق است در ازای شیر دادن به نوزاد از مرد، حقوق مطالبه کند. این نوع نگاه مطهری متمایز از نگاه رایج و متداول در جوامع اسلامی خصوصاً در جامعه ایرانی است. البته، بغوریت باید افزود که اصل اساسی برای مطهری تفاهم و دوستی مرد و زن در محیط خانه و انجام داوطلبانه امور خانواده بر مبنای آموزه‌های اخلاقی و انسانی است تا بر پایه حقوق و تکالیف رسمی و قانونی.

رابطه مبتنی بر رفق و مدارا در سنت شیعی ریشه عمیقی دارد و در گفتار و رفتار پیشوایان دینی جایگاه بالایی دارد. برای نمونه، در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که ایشان

و معنوی همسر خود را به نحو مطلوبی پاسخ دهد تا فضای دوستانه و محبت‌آمیز در روابط طرفین جاری شود. به نظر می‌رسد ایجاد روابط سالم و صمیمانه و تعادل رفتاری و گفتار نیکو از جمله اسباب لازم برای شکل‌گیری اخلاق زیستی مطلوب در خانواده است که در صورت تحقق استحکام بنیان خانواده را در پی دارد.

امروزه یکی از مشکلات نظام خانواده، نگرش مادی‌گرایانه به مناسبات و روابط طرفین است. مهم‌ترین موضوعی که همواره اختلافات مادی را در رأس نشانده و عاملی برای جدایی اعضای خانواده و ازهم‌پاشیدن آن می‌شود، نگرش مادی‌گرایانه نسبت به مهریه است. امروزه هنگامی که از مهریه سخن به میان آورده می‌شود، قبل از هر چیز نوعی عمل حقوقی به ذهن می‌رسد که ابعاد مالی روابط زوجین را نشان می‌دهد، اما رویکرد مطهری در این زمینه، بر تلقی «هدیه گونه» از مهریه است که در آیات و روایات نیز مطرح شده است. از نظر ایشان، اسلام مهر و نفقه را امری لازم و مؤثر جهت استحکام زناشویی و تأمین آسایش خانوادگی و ایجاد وحدت میان زن و شوهر می‌شناسد و چون مهر و نفقه را لازم می‌داند و به این سبب قهراً از بودجه زندگی زن کاسته شده است و تحمیلی از این نظر بر مرد شده است. اسلام می‌خواهد این تحمیل از طریق ارث جبران بشود. بنابراین برای مرد دو برابر زن سهم‌الارث قرار داده است. پس مهر و نفقه است که سهم‌الارث زن را تنزیل داده است (۱۴). با این اوصاف، نمی‌توان تنها به بعد اقتصادی و مالی مهریه توجه نمود و بنیان اخلاقی خانواده را به دست فراموشی سپرد. مهریه حکمی برای تنظیم و بهبود اخلاق زیستی در خانواده و زمینه‌ای مناسب برای شکل‌گیری آن به ویژه از منظر ایجاد محبت به واسطه اعطای هدیه است. لازم به ذکر است که بنا بر نظر مطهری که بیش از سایر آثار وی بطور مصرح و متمرکز در متن اثر کلاسیک ایشان، نظام حقوق زن در اسلام، آمده است، راجع به زن و مرد از لحاظ مالی و اقتصادی اگر چه در پاره‌ای موارد مثل ارث بردن و یا در مواردی دیگر نابرابری‌هایی مشاهده می‌شود که این‌ها نیز ناشی از همان تفاوت‌های زیستی و بیولوژیکی آن‌هاست ولی سرانجام و در مجموع در

تقسیم اموال و دارایی‌ها هر کدام سهمی برابر با دیگری می‌برد و بنا به تصریح وی در صورت محاسبه دقیق و همه جانبه سهم مالی هر کدام مطابق با قوانین اسلامی، حتی سهم زن بیشتر از مرد هم می‌شود. البته این ادعایی است که سنجش میزان صحت و اتقان آن مستلزم پژوهشی مستقل است ولی نفس این ادعا و استدلال‌های پشتوانه آن حاکی از رویکرد خاص و متفاوت مطهری به مقوله خانواده و جایگاه آن در ایجاد اخلاق زیستی مطلوب است.

همچنین از نظر مطهری، فلسفه شکل‌گیری مهر نتیجه تدبیر هوشمندانه‌ای است که در متن خلقت و آفرینش برای برقراری عدالت و روابط مبتنی بر اعتدال میان زن و مرد و پیوند آن‌ها با یکدیگر شکل گرفته است و مهر با حیا و عفاف زن رابطه‌ای ناگسستی دارد. زن با الهام فطری دریافته است که زمانی عزت و احترامش به عنوان یک انسان حفظ می‌شود که خود را به رایگان در اختیار مرد قرار ندهد و به اصطلاح شیرین بفروشد (۳). علاوه بر این آنچه از مهریه به عنوان «صداق» نیز تعبیر می‌شود، به معنای برقراری روابط صادقانه در خانواده است که خود عالی‌ترین نشانه اخلاق است که نیازی به مراجعه به قانون ندارد. بنابراین در مسأله مهریه، حق و تکلیف زوجین براساس روابط صادقانه و مبتنی بر اخلاق خانوادگی تعریف می‌شود. به نظر مطهری، از این جهت، مهریه پاسخی به نیاز فطری زن و مرد است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «اینکه گفته‌اند مرد چیزی را به عنوان صداق قرار دهد، بر اساس همین اصل و ناموس است، یعنی زن باید در مقامی خودش را معرفی کند که بگوید این تو [مرد] هستی که به من نیاز داری و نه من به تو و جنس مرد باید در شکلی ظاهر شود که اوست که باید چیزی به زن نثار کند تا زن در مقابل او آری بگوید. مرد باید به او هدیه ببخشد» (۳). به همین دلیل است که تعبیر دیگر قرآن، صداق است، صداق یعنی چیزی به علامت اینکه علاقه من به شما علاقه راستین است.

به علاوه اینکه، مهریه امری برای نشان دادن تکامل زوجین است که یکی با دیگری معنا پیدا می‌کند. از این جهت نیز مهریه، مقوله‌ای اخلاقی و پیش‌برنده اخلاق زیستی در خانواده

است و نمی‌توان از آن به عنوان ابزاری برای فشار مالی و اقتصادی بر زوج استفاده کرد. همان‌گونه که مطهری اظهار می‌دارد: «قانون خلقت، جمال و غرور و بی‌نیازی را در جانب زن و نیازمندی و طلب و عشق و تغزل را در جانب مرد قرار داده است و همین موجب شده که همواره مرد از زن «خواستگاری» کند، از طرفی زن از مرد در مقابل شهوت توان‌تر و خوددارتر آفریده شده و این خصوصیت همواره به زن فرصت داده است که دنبال مرد نرود و زود تسلیم نشود و بر عکس مرد را وادار کرده است که به زن اظهار نیاز کند و برای جلب رضای او اقدام کند. یکی از این اقدامات این بوده که برای جلب رضای او و به احترام موافقت او، هدیه‌ای نثار او می‌کرده است و این هدیه، یعنی مهر با حیا و عفاف زن یک ریشه دارد، چراکه زن به الهام فطری در یافته است که عزت و احترام او به این است که خود را رایگان در اختیار مرد قرار ندهد و به اصطلاح شیرین بفروشد و عطیه و پیش‌کشی از او به عنوان نشانه‌ای از صداقت او دریافت دارد» (۳).

### ۶. نتیجه‌گیری

خلاصه آنچه که در بررسی آثار و متون مرتضی مطهری با استفاده از دو روش متن‌گرایی و زمینه‌گرایی بدست آمد این رویکرد است که نظام خانواده در اسلام نه یک نهاد اجتماعی ساده، بلکه محملی برای ترویج مکارم اخلاقی، آموزش هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و تلاش برای تربیت انسان‌هایی سالم و سازنده در عرصه اجتماع است. این رویکرد در آرای مطهری به صورت تلازم حق و تکلیف و فعالیت همسوی آنان برای ساختن اخلاق زیستی مطلوب در خانواده صورت گرفته است. از دیدگاه ایشان، حق و تکلیف در نظام حقوقی خانواده در اسلام بر مبنای شناسایی تفاوت‌های فردی، ویژگی‌ها و توانایی‌های فطری و اکتسابی و تلاش برای ساختن نهادی مبتنی بر آرامش، محبت و فداکاری صورت می‌گیرد. اهمیت این دیدگاه از آن رو است که به لحاظ سلبی در دفع نگرش‌های مادی‌گرایانه و به لحاظ ایجابی در تلاش برای ترویج الگوی اخلاقی‌مدار، بسیار برجسته است، همچنانکه ایشان، تعبیر مادی‌گرایانه از حقوق و تکالیف اعضای خانواده در مقابل

یکدیگر، شاغل‌بودن زن و شوهر، مهریه و کاستن از احترام به یکدیگر را عامل نابودی اخلاق در خانواده می‌دانند و درصدد ارائه الگوی اخلاقی مبتنی بر هدیه‌بودن مهریه، حفظ عزت و کرامت زن و شوهر و همچنین کمک به تربیت فرزندان صالح برآمده‌اند، ضمن اینکه شکل‌گیری اخلاق زیستی در خانواده از منظر مطهری بیانگر رویکرد متمایز دین اسلام در زمینه حمایت از نهاد خانواده است. بنابراین الگوی مادی‌گرایانه از حق و تکلیف در خانواده مورد پذیرش نیست. در این صورت، برشمردن حقوق و تکالیف افراد در خانواده از جمله زن و شوهر به عنوان ستون‌های اصلی این نهاد مؤثر در آرای مطهری نشان‌دهنده دو رویکرد متفاوت در زمینه حقوق و تکالیف افراد از جمله زوجین و به تبع آن شکل‌گیری دو نوع رویکرد اخلاق زیستی متفاوت و حتی متقابل است: رویکرد اولی که از آن می‌توان به عنوان رویکرد مادی‌گرایانه و اقتصادی یاد کرد، حقوق و تکالیف افراد را بر مبنای سودانگاری و اقتصادی تعیین می‌کند که حتی مرزی میان وظایف و مسؤولیت زوجین در خانه، اجتماع و ارتباط با سایر افراد نیز مشخص نمی‌کند. این رویکرد از نظر آموزه‌های اسلامی، ابر است و به خوبی نمی‌تواند تحقق بخش حقوق و تکالیف اعضای خانواده و سپس تحقق بخش اخلاق زیستی مطلوب باشد. رویکرد مطهری نسبت به حقوق و تکالیف در خانواده از جمله رابطه زوجین ضمن آنکه متضمن برابری زن و مرد از لحاظ مالی و اقتصادی است (و یا حتی برتری سهم زن نسبت به مرد) مبتنی بر نگرشی است که اصل تساوی را به معنای توجه به تفاوت‌های فردی در نظر می‌گیرد و با مبنا قرار دادن کرامت انسانی و تقوا، به توجیه و تبیین برخی تمایزات افراد در خانواده می‌پردازد.

در این میان حقوق و تکالیف با دگرگونی‌ها و تغییرپذیری شرایط نیز دچار تغییر می‌شود، اما نقطه مشترک، انجام تکالیفی محوری است که از جمله آن‌ها می‌توان به نفی غلبه رویکرد اقتصادی نسبت به مهریه، عدم بهره‌کشی از یکدیگر در امور داخلی و بیرونی منزل، حسن معاشرت و مبنای قرارداد «و عاشورهن بالمعروف»، وفاداری همسر نسبت به شریک زندگی که حتی به پاسخگویی منطقی به نیازهای جسمی و جنسی

طرفین نیز بسط داده می‌شود، اشاره نمود. به نظر می‌رسد با حاکم‌شدن اصول گفته‌شده، اصول اخلاق زیستی مقوم نظام خانواده خواهد بود که حاکم‌بودن مطلق قانون بر تنظیم روابط خانواده را نیز زیر سؤال می‌برد. در این صورت اخلاق زیستی در خانواده بر قانون مقدم خواهد شد و اعضای خانواده تنها در صورت برهم‌زدن چنین رابطه مسالمت آمیزی می‌توانند برای دستیابی به حقوق و تکالیف خود به مراجع قانونی، مراجعه نمایند.

#### ۷. تقدیر و تشکر

از اساتید محترم و محققانی که در تهیه و تدوین این پژوهش مساعدت و همکاری نمودند، تقدیر و تشکر می‌شود.

#### ۸. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر فعالیت پژوهشی مؤثر داشته‌اند.

#### ۹. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافی وجود ندارد.

**References**

1. Skinner Q. Visions of politics. Vol 1. Cambridge University Press; 2002.
2. Motahari M. Twenty speeches. Tehran: Publisher Sadra; 2012.
3. Motahari M. The System of womens rights in Islam. Tehran: Publisher Sadra; 2016.
4. Mesbah Yazdi MT. A brief look at human rights from the perspective of Islam. Qom: Publisher Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2009.
5. Motahari M. Collection of works of jurisprudence and law. Tehran: Publisher Sadra; 2012.
6. The Holly Quran. Hojrat: 13.
7. Makarem Shirazi N. Sample Interpretation. Tehran: Publisher Dar al-Kotob al-Islameyeh; 1996.
8. Motahari M. Spiritual Freedom. Tehran: Publisher Sadra; 1996.
9. Shamsuddin MM. Limits of women's political participation in Islam. Translated by Abedi M. Tehran: Publisher Beesat; 1997.
10. Zarei MM. An Introduction to the Status of Ethics in Marriage and Family Law. *Journal Islamic Studies: Jurisprudence and Principles*. 2010; 43(87): 69-96.
11. Motahari M. The System of women's rights in Islam. Tehran: Publisher Sadra; 2016.
12. Farid M. Eduacion Narrations. Tehran: Publisher Islamic Culture; 1982.
13. Amadi A. Ghorar Alhekam va Dorar Alkalem.. Tehran: Publisher Dar al-Ketab al-Islami; 2000.
14. Motahari M. A look at Nahj al-Balaghah. Tehran: Publisher Sadra; 1990.
15. Hoseini Tehrani MH. Resaleye Badieh. Theran: Publisher Allame Tabatabaie; 2010.
16. Ansarian H. The Family System in Islam. Qom: Publisher Omme Abiha; 1994.
17. Mazaheri H. Family in Islam. Qom: Publisher Shafaq; 1990.
18. Motahari M. Causes of materialism. Tehran: Publisher Sadra; 1994.
19. Elhaminia AA. Family Jurisprudence. Tehran: Publisher Zamzam; 2010.
20. Horre Ameli MH. Vasaal al-Shieh. Tehran: Publisher Maktab al-Islameyeh; 1982.
21. Motahari M. Education in Islam. Tehran: Publisher Sadra; 2008.
22. Koleini Y. Kafi. Tehran: Publisher Dar al-Kotob al-Islameyeh; 1992.